

اعتبار و تداول كتاب الغيبة نعمانی - مرتضی نادری
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دهم، شماره ۳۷ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۷۵ - ۱۸۷

اعتبار و تداول كتاب الغيبة نعمانی

* مرتضی نادری

چکیده: موضوع این نوشتار اعتبار کتاب الغيبة نعمانی و تداول آن در میان شیعیان است. این مقاله نشان می‌دهد که اثبات اصالت عقیده به دوازده امام و غیبت امام دوازدهم در احادیث معصومان علیهم السلام، از اهداف بنیادین نعمانی در تأثیف کتاب الغيبة است. و ثابت مشایخ نعمانی در نقل روایات این دو موضوع، تعدد طرق این روایات و تأیید آنها با ادله عقلی و قرآنی مذکور در این کتاب، نشان دهنده اعتبار احادیثی است که نعمانی در اثبات اصالت این دو موضوع نقل کرده است. افزون بر اینها، نعمانی خود تصریح نموده که احادیثی را بگزید و نقل کرده که می‌توان آنها را به معصومان علیهم السلام نسبت داد. اعتبار احادیث کتاب الغيبة نعمانی در این دو موضوع، نافی نظریه ساختگی بودن روایات ائمه اثنا عشر و وامداری امامیه به واقعه در باب اخبار غیبت است.

کلیدواژه‌ها: نعمانی / کتاب الغيبة / احادیث ائمه اثنا عشر / اخبار غیبت امام دوازدهم.

Email: Naderi35@yahoo.com

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران.



۱. اصالت روایات ائمه اثنا عشر و احادیث غیبت امام دوازدهم

کتاب الغیة، اثر ابو عبدالله، محمد بن ابراهیم بن جعفر، کاتب نعمانی^۱، معروف به ابن زینب (نجاشی، ش ۱۰۴۳) یا ابن ابی زینب (نوری، ج ۳، ص ۲۶۵)، از مشایخ بلند مرتبت و والامنزلت حدیث شیعه (نجاشی، ش ۱۰۴۳)^۲، از مهم ترین کتابهای روایی امامیه در موضوع ائمه اثنا عشر و غیبت دوازدهمین امام است.^۳

انحراف شماری از شیعیان از دو موضوع عقیدتی یادشده، از انگیزه‌های بنیادین نعمانی در تأثیف الغیة است. وی در مقدمه کتابش، از گروههایی از شیعیان امامی سخن می‌گوید که گرفتار اختلاف عقاید و پراکندگی اقوال شده، برخی شان دچار غلوّ، بعضی شان مبتلا به تقصیر و شمار بسیاری شان اسیر شک در امام زمانشان گشته بودند. وی علّت این سرگشتهایها و چندستگیها را «آزمایش غیبت» می‌داند؛ غیبیتی که به اعتقاد نعمانی، رسول خدا^{علیه السلام} پیشتر از آن یاد کرده و امیر مؤمنان^{علیهم السلام} از آن خبر داده و در خطبه‌ها و سخنانش نسبت به این آزمایش سخت، هشدار داده و دانشمندان و راویان حدیث، اخبار آن را از تک تک ائمه روایت کرده‌اند؛ به گونه‌ای که همه امامان از آن سخن گفته و بر وقوع آن تأکید نموده و خاطرنشان کرده‌اند که خدا آفریدگانش را به وسیله این غیبت، خواهد آزمود. (نعمانی، ص ۲۱)

نعمانی در ادامه، سبب این گونه حیرتها را ب بصیرتی، قلت روایت و کمی فهم و درایت ذکر می‌کند. (همو، ص ۱۱۶) وی منحرفان از حق را در دسته‌های زیر جای می‌دهد:

۱. کسانی که بدون اندیشه و دانش، در سلک امامیه در آمدند و با پیش آمدن

۱. «نعمانی» منسوب به نعمانیه، شهری در کنار رود دجله، بین بغداد و واسط است. (سمعانی، ج ۱۳، ص ۱۴۳)

۲. علامه شوشتري در قاموس الرجال می‌نویسد: «عدم عنوان الشیخ فی الرجال و الفهرست له غفلة». (شوشتري، ج ۹، ص ۱۰)

۳. ظاهراً نعمانی کتاب الغیة را در حدود سال ۳۳۶ هجری، تأثیف و در سال ۳۴۲ هجری، در شهر حلب، تحدیث کرده است. (نعمانی، ص ۱۸ و ۱۵۷؛ شبیری زنجانی، الکاتب النعمانی و کتابه الغیة، ص ۱۷۷ - ۱۷۸، همو، نعمانی و مصادر غیبت (۴)، ص ۳۹۱ - ۳۹۲) نعمانی از شاگردان کلینی بوده (امین، ج ۹، ص ۶) و مقایسه میان ایواب امامت و غیبت کافی و غیبت نعمانی، نشان از اثربذیری نعمانی از کلینی دارد.



۱. کسانی که از سر دنیاخواهی و رسیدن به متعابی ارزش آن، به تشیع گرویدند؛ آنگاه که گمراهان و دنیاگرایان ایشان را به سوی دنیا کشیدند، دنیا را بر دین ترجیح دادند و به سوی آن متمایل گشتد؛
۲. کسانی که از سر دنیاخواهی و رسیدن به متعابی ارزش آن، به تشیع گرویدند و آنگاه که گمراهان و دنیاگرایان ایشان را به سوی دنیا کشیدند، دنیا را بر دین ترجیح دادند و به سوی آن متمایل گشتد؛
۳. کسانی که برای خودنمایی و خودآرایی و ریاست طلبی و شهوت و عشق به آن، خود را به زیور تشیع آراستند، حال آنکه نه باور قلبی بدان داشتند و نه در آن خالص بودند؛ پس خدا آن زیبایی را از آنان ستاند و احوالشان را دگرگون کرد و عذاب را برایشان آماده ساخت؛
۴. کسانی که با ایمان سست، تشیع را پذیرفتند و دلهایشان در آنچه بر زبان می‌راندند، استوار نبود؛ پس هنگامی که آزمایش غیبت رخ داد - آزمایشی که اولیای خدا از سیصد سال پیش مارا بدان آگاه ساخته بودند - حیران ماندند. (همو، ص ۲۲-۲۳)
- در این شرایط، نعمانی برای رضای خدا و در پیروی از سفارش‌های معصومان، به هدف زدودن این حیرتها و تردیدها از میان شیعیان و باورمندان به امامت ائمه، تصمیم می‌گیرد که روایات منقول از امامان، از امیر مؤمنان تا آخرین ایشان، درباره غیبت امام دوازدهم را نقل کند و در کتابی بنگارد تا مایه بصیرت برادران دینی اش گردد و آنان را دانش بیفزاید و راه بنماید و درستی اعتقاد به غیبت را روشن نماید.
- (همو، ص ۲۳)

نعمانی روایات کتابش را به گونه‌ای منطقی تبوب کرده است. کنار هم نهادن عناوین ابواب الغیة نعمانی، شبیه تأليف چندین گزاره است که از ترتیب منطقی آنها نتایج جدیدی حاصل می‌شود و هدف مؤلف را از تأليف کتاب، یعنی اثبات امامت ائمه دوازده‌گانه و غیبت دوازده‌مین امام، اثبات می‌کند.

باری، دو موضوع ائمه دوازده‌گانه و غیبت امام دوازدهم، از گذشته تا کنون، محل تردید و اشکال بعضی بوده است. برای نمونه، استاد محمد باقر بهبودی، انحرافات شماری از شیعیان از نظام امامت را شاهد ساختگی بودن احادیثی



می داند که در آنها، یکجا به نام دوازده امام تصریح شده است (مانند حدیث لوح حضرت فاطمه علیها السلام). نزد ایشان، اگر این احادیث اصالت داشت و نزد امامیه بود، روایت می شد و راه انحرافات را می بست. (بیهودی، ص ۱۰۹) شاید استاد بیهودی مبنی بر همین دیدگاه، باب «ما جاء في الثانية عشر و النص علیهم» الکافی را - که مشتمل بر بیست حدیث در اثبات امامت دوازده امام است - در صحیح الکافی نقل نکرده است. دکتر مدرّسی طباطبایی پس از یادکرد ماجرا چگونگی توجه شیعیان به این روایات و گرداوری آنها می نویسد: «البته برخی از کوته فکران در اصالت و صحت این روایات تردید می نمودند. استدلال نادرستی که ایشان داشتند، آن بود که اگر این احادیث صحیح و واقعی است و نام ائمّه اطهار به این روشنی و دقّت از زمان پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم، در واقع از ادوار اولیّه خلقت جهان، مشخص و معلوم بوده است، پس چرا آن همه اختلافها بر سر مسئله جانشینی هر امام، میان شیعیان روی داد و آن همه فرقه که هر یک دنباله رویک مدعی امامت بودند، پدیدار شدند؟ (مدرّسی طباطبایی، ص

(۱۹۶)

استاد مدرّسی طباطبایی، در ادامه، خاطرنشان می کند که دانشمندان و محققان شیعه به همه این استبعادات پاسخ داده اند. وی تأکید می کند که «فهرست اسامی مبارکه ائمّه اطهار جزء حقایق افشا شده برای همگان نبود؛ بلکه به هر دلیل، جزء اسراری بود که فقط برخی از محترمان درگاه امامت و رازداران پیشگاه ولایت بر آن آگاه بودند.» (همو، ص ۱۹۸-۱۹۹. نیز نک: نعمانی، باب «فی صون سرآل محمد طباطبائی عمن لیس من أهله») اصالت احادیث غیبت امام دوازدهم نیز مانند روایات دوازده امام، از سوی برخی، به چالش کشیده شده است. اصالت احادیث غیبت و عقیده به آن، در مقابل نظریّه ای قرار می گیرد که شیعیان امامی را در عقیده به غیبت، دنباله رو واقفه و وامدار کتابهای آنان می داند.

برای نمونه، دکتر جاسم حسین، در کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیها السلام، واقعه را در تأثیف کتابهای غیبت، نسبت به امامیه، مقدم می دارد و می افزاید که دانشمندان امامی، نظیر صفار و کلینی و احمد بن علی بن نوح سیرافی و شیخ

طوسی، در دوران غیبت صغیری، از اطلاعات کتابهای واقفه در موضوع غیبت، برای حمایت و جانبداری از دیدگاه امامیه در موضوع مذکور استفاده کردند.

(حسین، ص ۲۱ - ۲۲)

اماً پژوهش در پیشینه کتابهای غیبت نشان می‌دهد که بر خلاف نظریه یادشده، شیعیان امامی در تأثیف کتب غیبت بر واقفه متقدم دارند. بر اساس گزارش‌های نجاشی و شیخ طوسی، شمار مصنّفان شیعه امامی و غیر امامی (واقفی و فطحی و...) که پیش از نعمانی، کتابی در موضوع غیبت تأثیف کرده‌اند، حدود بیست و چهار تن است که ظاهراً قدیم‌ترین مؤلف امامی در میان آنان، ابراهیم بن صالح انماطی است.^۱

نجاشی درباره انماطی می‌نویسد: «وی اهل کوفه، ثقه و راوی بی‌اشکالی بود. ابوالعباس احمد بن علی بن نوح به من گفت: کتابهای انماطی، همه، از میان رفته است و من تنها کتاب او در موضوع غیبت را می‌شناسم.» (نجاشی، ش ۱۳) دکتر جاسم حسین نیز انماطی را نخستین مؤلف در موضوع غیبت معرفی کرده و او را از اصحاب امام باقر^{علیه السلام} و واقفی مذهب دانسته است. (همو، ص ۲۱)

لیکن اولاً، انماطی صاحب الغیة از اصحاب امام باقر^{علیه السلام} نیست؛ زیرا راوی ابراهیم بن صالح انماطی صاحب کتاب الغیة، عبیدالله بن احمد بن نهیک (از روات ابن ابی عمیر) است؛ بنابراین، وی در در طبقه ابن ابی عمیر (از اصحاب امام کاظم و امام رضا^{علیهم السلام}) جای دارد و با آن ابراهیم بن صالح انماطی که شیخ طوسی وی را از اصحاب امام باقر^{علیه السلام} دانسته، متفاوت است. (نک: خوبی، ج ۱، ص ۲۳۷ - ۲۳۹، ش ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳. نیز: طوسی، الرجال، ص ۱۲۴ و بر قی، ص ۱۱: اصحاب امام باقر^{علیه السلام}: طوسی، الرجال، ص ۴۱۴: من لم يرو عنهم؛ همان، ص ۳۵۲، ش ۵۲۱: از اصحاب امام رضا^{علیهم السلام} بدون پسوند انماطی)

ثانیاً، انماطی صاحب الغیة واقفی نیست؛ زیرا ابراهیم بن صالحی که واقفی

۱. از دیگر امامیان متقدم که کتابی در موضوع غیبت داشته، ابوالفضل العباس بن هشام (م ۲۲۰) است که نجاشی وی را با عبارت «ثقة جليل في أصحابنا كثير الرواية» ستوده است. (نجاشی، ش ۷۴۱)



است، انماطی اسدی است. (نجاشی، ص ۲۴، ش ۳۷؛ نیز نک: خوبی، ج ۱، ص ۲۳۸ ۲۳۹، ش ۱۸۳) از آنچه گذشت، روشن می‌شود که او^{اولاً}، امامیه پیش از دوران غیبت صغیری، کتابهایی در موضوع غیبت تألیف کرده‌اند؛ ثانیاً، امامیه در تألیف کتب غیبت، بر واقفه تقدّم دارند.

افزون بر اینها، ظاهر^اکتابهایی که به دست اصحاب ائمّه در موضوع غیبت تألیف شده، تنها گردآوری احادیث منقول در این موضوع است. این احادیث از دو حال بیرون نیستند؛ یا در آنها امامی که غیبت خواهد کرد، به نام یا وصف، معین و مشخص شده بوده یا نه. در حالت نخست، استفاده شیعیان امامی از روایاتی که مثبت دیدگاه واقفه در موضوع غیبت است (یعنی غیبت امام هفتمن)، وجهی ندارد؛ و در حالت دوم، در جایی که به نام یا وصف امام غایب تصریح نشده، اختصاص روایات غیبت به یک مذهب خاص معنا نخواهد داشت؛ چراکه در این صورت، هم واقفه و هم امامیه برای اثبات دیدگاهشان به قرائتی خارج از روایات غیبت محتاج خواهند بود و صرف این روایات مثبت هیچ یک از دو دیدگاه نخواهد بود. دکتر جاسم حسین معتقد است که روایات غیبت در اصول حدیثی اصحاب ائمّه، مبهم بوده و در آنها، نام امام غایب نیامده و از زمان آغاز غیبت سخنی نرفته و همین سبب شده که گروههای شیعیان آن روایات را درباره امامان مختلف به کار گیرند. (حسین، ص ۲۱) ولی ظاهر^ا این دعوی بی دلیل است؛ زیرا در احادیث بسیاری که از اصول حدیثی اصحاب ائمّه بر جای مانده، تصریح شده که غیبت از ویژگیهای امام دوازدهم است؛ هموکه قائم موعود و مهدی امّت است. (نک: صافی گلپایگانی، ج ۲، باب سوم)

۲. اعتبار روایات الغيبة نعمانی

بررسی اعتبار روایات الغيبة نعمانی، با بررسی اعتبار مصادر این کتاب، مشایخ وی و شیوه او در گزینش احادیث روشن می‌شود.^۱ به نظر می‌رسد که روش نعمانی

۱. استاد سید محمدجواد شبیری زنجانی در سلسله مقالاتی، مصادر و مشایخ نعمانی را در کتاب الغيبة،

در الغيبة، نقل روایات متعدد از طرق مختلف تا اندازه‌ای است که به مضمون آنها علم حاصل شود و عنایین مورد نظر وی را اثبات کند. افرون بر این، ظاهراً ملاک نعمانی درگزینش و نقل احادیث، حصول وثوق به صدور آنها از معصوم است و از آنجا که گاه، وثوق به صدور حدیث از معصوم با ضعف راوی، اعم از ضعف در روایت یا ضعف در مذهب، منافات ندارد، طبیعی است که در این کتاب، گاه، احادیثی از روات ضعیف نقل شده باشد؛ لیکن تعدد طرق روایات و وثوق به صدور آنها از معصوم، جبران‌کننده ضعفهای احتمالی احادیث الغيبة نعمانی است. بنگرید:

و قد جمعت في هذا الكتاب ما وقق الله جمعه من الأحاديث التي رووها
الشيخ عن أمير المؤمنين والأئمة الصادقين عليهم السلام في الغيبة وغيرها، مما
سبيله أن ينضاف إلى ما روي فيها، بحسب ما حضر في الوقت؛ إذ لم يحضرني
جميع ما رويته في ذلك لبعده عني و أن حفظي لم يشمل عليه. و الذي رواه
الناس من ذلك أكثر وأعظم مما رويته و يصغر و يقل عنه ما عندي. (نعمانی،

ص ۲۹)

نکته دیگری که از سخنان نعمانی به دست می‌آید، کثرت روایات غیبت و افرونی آنها بیش از مقداری است که او در کتابش نقل کرده است. وی در جای دیگری می‌نویسد:
هذا آخر ما حضرني من الروايات في الغيبة و هو يسير من كثير مما رواه الناس و حملوه.

(همو، ص ۱۹۴)

۳. مشایخ نعمانی در کتاب الغيبة

شمار روایات الغيبة نعمانی در حدود ۴۷۸ و تعداد مشایخ او در این کتاب هجده تن است. اینک نام و وصف مشایخی که نعمانی بیشتر روایات کتابش را از آنان نقل کرده است:

← به تفصیل، بررسی کرده است. (نک: علوم الحديث، ش ۳؛ انتظار موعود، ش ۲ و ۳ و ۵ و ۶)



۱. احمد بن محمد بن سعید بن عقدة کوفی: ۱۳۹ حدیث. نعمانی درباره ابن عقده می‌نویسد: «این مرد از شمارکسانی است که هیچ کس در وثاقت و دانش ایشان به حدیث و ناقلان آن، خرد نگرفته است.» (نعمانی، ص ۲۵) نجاشی و شیخ طوسی نیز در وثاقت و جلالت ابن عقده سخنان بلندی گفته‌اند. (نجاشی، ش ۲۳۳؛ طوسی، الفهرست، ش ۸۶)
۲. محمد بن یعقوب کلینی: ۷۲ حدیث.
۳. محمد بن همام بن سهیل: ۶۴ حدیث. نجاشی درباره وی می‌نویسد: «شیخ أصحابنا و متقدمهم. لہ منزلة عظيمة. کثیر الحديث.» (نجاشی، ش ۱۰۳۲) شیخ طوسی نیز محمد بن همام را جلیل القدر و ثقه خوانده است. (طوسی، الفهرست، ش ۶۱۳)
- ۴ علی بن احمد البَنْدَنِیجی: ۵۶ حدیث. نجاشی و شیخ از وی نام نبرده‌اند که می‌توان علّتش را این دانست که وی صاحب تألیف یا تصنیف مستقلی نبوده است. این راوی در کتاب منسوب به ابن غضائی^۱، تضعیف شده است. (خوبی، ج ۱۱، ص ۲۵۶، ش ۷۹۱۰)

۵ عبد الواحد بن عبدالله بن یونس الموصلى: ۴۷ حدیث. تَلْعُكْبَری وی را توثیق کرده است. (طوسی، الرجال، ش ۶۱۸۳ و ۶۱۸۴)

۶. انتساب الغيبة به نعمانی، شناخت نسخه، اعتبار و تداول آن در آغاز کتاب الغيبة نعمانی آمده است:

حدّثنا الشیخ أبوالفرج محمد بن عليّ بن یعقوب بن أبي قرة القناوی رحمه الله، قال حدّثنا أبوالحسین محمد بن عليّ البجليّ الكاتب (خ ل: حدّثني محمد بن عليّ ابوالحسین الشجاعيّ الكاتب حفظه الله، قال: حدّثني محمد بن إبراهيم ابوعبد الله النعمانيّ رحمه الله تعالى - في ذي الحجّة سنة اثنتين وأربعين وثلاثمائة قال) و اللّفظ من أصله و كتبت هذه النسخة و هو ينظر في أصله، قال: حدّثنا أبوعبد الله محمد بن إبراهيم النعمانيّ بحلب.» (نعمانی، ص ۱۸)

۱. صحّت انتساب و اعتبار کتاب رجال منسوب به ابن غضائی محل تردیدهای جدی است. (نک: نادری، واکاوی آراء رجالی استاد محمد باقر بهبودی، سراج منیر، ش ۶)

این سند نشان می‌دهد که الغیة نعمانی از طریق محمدبن علی شجاعی^۱، از ابوالفرج محمدبن علی قنانی، از قائل «حدّثنا» در صدر سند، به دست ما رسیده است.



بنا بر گزارش نجاشی، ابوالحسین محمدبن علی شجاعی کاتب، نخستین راوی کتاب الغیة نعمانی، این کتاب را مستقیماً، به شیوهٔ فرائت بر شیخ، از مؤلف آن فراگرفته است. نجاشی تصريح می‌کند که نسخهٔ شجاعی از الغیة نعمانی، به دست پسر شجاعی به او رسیده است. نجاشی در گزارش این قضیه، با احترام از شجاعی نام برد و افزوده است که من خود دیدم که شاگردان، کتاب الغیة نعمانی را در مشهد عتیق بر شجاعی فرائت می‌کردند. (نجاشی، ش ۱۰۴۳)

واسطه دوم ابوالفرج قنانی (یا قنائی) است. نجاشی در شرح حال وی آورده است: «محمدبن علی بن یعقوب بن إسحاق بن أبي قرة، أبوالفرج القنائی الكاتب، كان ثقة و سمع كثيراً و كتب كثيراً. و كان يورّق لأصحابنا و معنا في المجالس. له كتب منها... أخبارني وأجازني جميع كتبه.» (همو، ش ۱۰۶۶)

بنابراین، به احتمال زیاد، قائل «حدّثنا» در آغاز کتاب الغیة نعمانی، دانشمند و عالم بزرگ شیعه، مرحوم نجاشی است. إسناد شیخ حرّ عاملی به الغیة نعمانی مؤید این احتمال است. بنگرید: «و نروی کتاب الغیة للشیخ النعماّنی، بالإسناد السابق، عن العلامة، عن أبيه... عن أحمدبن علی بن العباس النجاشی، عن أبي الحسین محمدبن علی بن الشجاعی، عن أبي عبدالله محمدبن إبراهیم بن جعفر النعماّنی.» (عاملی، ج ۲۰، ص ۵۸)

محدّث نوری در خاتمه المستدرک پس از ذکر مشایخ حدیث خود، مشایخ مشایخش را بدین ترتیب آورده است: از محدث نوری تا علامه مجلسی، از علامه مجلسی تا شهید ثانی، از شهید ثانی تا محقق حلّی، از محقق حلّی تا مفید ثانی (پسر شیخ طوسی)، از مفید ثانی تا اصحاب مجامیع (یعنی: کراجکی و نجاشی و شیخ

۱. بنا بر تحقیق استاد شبیری زنجانی، «بجلی» مصحّف «شجاعی» است. (نک: شبیری زنجانی، نعمانی و مصادر غیبت (۱)، ص ۲۵۲)



طوسی و سید رضی و علم الهدی و مفید و ابن قولویه و صدوق و نعمانی و ثقة الاسلام و على بن بابویه و ابو عمرو کشی). (نوری، ج ۲ و ۳، الفائدة الثالثة)

بنا بر همه اینها، کتاب الغيبة نعمانی به وسیله افرادی معین، نسل به نسل، روایت شده، تا به دست عالمان پس از نعمانی رسیده است. یکی از این عالمان، محدث نوری (م ۱۳۲۰ق) است که نسخه‌ی وی، یکی از نسخ مرجع در تصحیح و طبع کتابی است که اکنون به عنوان الغيبة نعمانی در دست ماست. دیگر نسخه‌های مرجع طبع این کتاب مربوط به سده‌های ششم، دهم و یازدهم هجری‌اند. (نعمانی، ص ۱ - ۲، مصادر التصحیح)^۱

۵. تداول کتاب الغيبة در میان عالمان شیعه و اعتماد ایشان بدان

دانشمندان شیعه از سده چهارم تاکنون، به احادیث الغيبة نعمانی، فی الجمله، اعتماد کرده‌اند و به روایات آن در مباحث مربوط به موضوع کتاب، ترتیب اثر داده‌اند. اینک شواهدی از اعتماد قولی یا فعلی دانشمندان شیعه به الغيبة نعمانی، از قرن چهارم تا نهم:

الف) قرن چهارم: شیخ مفید در الارشاد (ج ۲، ص ۳۵۰) در باب «ما جاء من النص على إمامية صاحب الزمان الثاني عشر من الأئمة» پس از نقل روایات مربوطه می‌نویسد: «و هذا طرف يسير ما جاء في النصوص على الثاني عشر من الأئمة عليهما السلام، والروايات في ذلك كثيرة قد دوّنها أصحاب الحديث من هذه العصابة وأثبتوها في كتبهم المصنفة. فمن أثبتها على الشرح والتفصيل، محمد بن إبراهيم، المكّي أبا عبد الله، النعmani في كتابه الذي صنّفه في الغيبة».»

ب) قرن پنجم: شیخ طوسی در مواضعی از الغيبة خود در نقل روایات، صراحتاً از نعمانی نام برده است. افزون بر این، از مقایسه برخی روایات کتاب الغيبة شیخ طوسی با الغيبة نعمانی، چنین به دست می‌آید که گاه شیخ طوسی بدون یادکرد

۱. درباره نسخه‌های الغيبة نعمانی و تفاوت‌های آنها با چاپ استاد غفاری، نک: شبیری زنجانی، معرفی کتاب غیبت نعمانی، ص ۳۸۴ - ۳۸۹

۱۷۳-۱۷۲، ح

نعمانی، روایتی را از الغیة او نقل کرده است. (طوسی، الغیة، ص ۱۲۷ و ۲۵۷)
پ) قرن ششم: طبرسی در اعلام الوری، بدون ذکر نام. (نک: طبرسی، ص ۴۴۴؛ نعمانی،



ت) قرن هفتم: ابوالفتح اربلی در کشف الغمّة. (ج ۲، ص ۲۴۹)

ث) قرن هشتم: علامه حلّی در المستجاد. (ص ۲۳۸)

ج) قرن نهم: حسن بن سلیمان حلّی در مختصر بصائر الدرجات (ص ۱۷۶ و ۱۹۳ و ۲۱۲) و

علی بن یونس عاملی در الصراط المستقیم (ج ۲، ص ۱۷۱ و ۲۳۳ و ۲۶۳)

نتیجه

کتاب الغیة، در قرن چهارم هجری، به دست دانشمند ارجمند شیعی، ابو عبدالله نعمانی، تأليف شده است. این کتاب از طرق معتبر و معتمد، نسل به نسل، به دست عالمان و محدثان شیعه، روایت شده و به دست ما رسیده است. الغیة از عصر نعمانی تا کنون، میان دانشمندان امامیه، متداول بوده و آنان به اخبار این کتاب استناد و اعتماد کرده اند. نعمانی اغلب احادیث کتابش را از مشایخ ثقه نقل کرده است. وی تصریح نموده که روایاتی را در کتابش آورده که می توان آنها را به معصومین ظاهراً نسبت داد. نعمانی با نقل احادیث متعدد، از طرق گوناگون، نشان داده که اعتقاد به ائمه دوازده گانه و غیبت دوازدهمین امام، اعتقادی اصیل است. او خاطرنشان نموده که احادیث غیبت امام عصر میانی بسیار بیشتر از آن اندازه ای است که وی در کتابش روایت کرده است.



منابع

١. اربلي، على بن عيسى. كشف الغمة. تبريز: مكتبة بنى هاشمى، ١٣٨١ ق.
٢. امين، سید محسن. اعيان الشيعة. بيروت: دارالتعارف، ١٤٠٦ ق.
٣. بهبودی، محمد باقر. معرفة الحديث. تهران: علمی و فرهنگی، ١٣٦٢ ش.
٤. حسين، جاسم. تاريخ سياسي غیث امام دا ازدهم (عج). مترجم: سید محمد تقی آیت الله. تهران: امیرکبیر، ١٣٧٦ ش.
٥. حلی، حسن بن يوسف. المستجاد. نرم افزار مكتبة أهل البيت.
٦. حلی، حسن بن سليمان حلی. مختصر بصائر الدرجات. نرم افزار مكتبة أهل البيت.
٧. خویی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحديث. قم: منشورات مدينة العلم.
٨. سمعانی، عبدالکریم. الاساب. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانی، ١٣٨٢ ق.
٩. شیری زنجانی، سید محمد جواد. الكتاب النعمانی و كتابه الغيبة. علوم الحديث، شماره سوم.
١٠. ———. نعمانی و مصادر غیبت (١). انتظار موعد، شماره دوم.
١١. ———. نعمانی و مصادر غیبت (٢). انتظار موعد، شماره سوم.
١٢. ———. معزوفی كتاب غیبت نعمانی. انتظار موعد، شماره پنجم.
١٣. ———. نعمانی و مصادر غیبت (٤). انتظار موعد، شماره ششم.
١٤. شوشتری، محمد تقی. قاموس الرجال. قم: جامعه مدرسین، ١٤١٠ ق.
١٥. صافی گلپایگانی، لطف الله. منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر. قم: دفتر آیت الله صافی گلپایگانی، ١٤٢٢ ق.
١٦. طوسی، محمد بن الحسن. الرجال. قم: جامعه مدرسین، ١٤١٥ ق.
١٧. ———. الغيبة. قم: مؤسسه معارف اسلامی، ١٤١١ ق.
١٨. ———. الفهرست. نجف: المکتبة الرضویة.
١٩. عاملی، حمز. وسائل الشيعة. تهران: اسلامیه.
٢٠. عاملی، على بن یونس. الصراط المستقیم. نجف: کتابخانه حیدریه، ١٣٨٤ ق.
٢١. مدرسی طباطبائی، سید حسین. مکتب در فرآیند تکامل. تهران: کویر، ١٣٨٧ ش.
٢٢. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.

٢٣. نجاشی، احمدبن علی. فهرست اسماء مصنفو الشیعه. قم: جامعه مدرسین، ١٤٠٧ق.
٢٤. نعمانی، محمدبن ابراهیم. الغیة. تهران: مکتبة الصدوق. ١٣٩٧ق.
٢٥. نوری، حسین. خاتمة المستدرک. قم: آل البيت، ١٣٩٧ق.

